



## تلاش برای رنگ دار کردن زندگی

تابه حال به تماسی  
بندبازی نشسته اید؟ لذت  
عجبی دارد محو شدن در  
حرکات بندباز، تلاش  
برای ایجاد تعادل و بودن در  
لحظه؛ مساله اصلی بندباز تعادل است، حفظ  
تعادل.

سوکورو تازاکی بی رنگ و سال های زیارتی، تصویر  
واقعیت زندگی انسان در عصر مدرن امروزی است.  
روایتی است از غرق شدن آدمی در گرداب تنها  
و مرگ.

داستان حول قسمتی از زندگی مهندس  
۳۶ ساله ای در ژاپن که دلبسته ساختن است  
می گذرد. سوکورو (شخصیت اصلی داستان)  
تحت تاثیر اتفاقی مبهم که در رابطه دوستانه اش  
در گذشته افتاده تنها عجیب را تجربه می کند.

داستان روایت تلاش او برای  
زنده بودن و حس زندگی کردن  
در تاریکی روزگار و رنگ بخشیدن  
به زندگی بی رنگ است.

نام فامیل دوستان سوکورو  
تصادفا نام رنگ هاست،  
آبی، قرمز و ... موراکامی با  
قرار دادن شخصیتی که تک تک  
دوستانش را از دست  
داده و به باد مرگ افتاده در  
جستجوی راهی است که  
آدمی باریگرمی تواند از آن به  
رنگ های زندگی بازگردد.

داستان فضای سرد و بی روحی دارد، اما در عین حال  
ارتباط نهانی با الایه های زندگی انسان برقرار می کند.  
موراکامی با هنرمندی تمام به توصیفات مویه می  
تجربه های حسی و شهودی سورکومی پردازد.  
داستان جایی رنگ سورئال به خود می گیرد، ولی  
نویسنده کار خود را بد است و مخاطب را به آرامی  
به دل زندگی رثای برمی گردد.

قرار نیست مادر داستانی در باره فردی بیگانه و در  
شرایط دور از خودمان بخوانیم، داستان داستان  
خودمان است گمگشتنی مان و بی قراری مان  
در بحیوه سرعت زندگی انسان قرن ۲۱. تلاش  
سوکورو برای رنگ دار کردن زندگی، تلاش بشیریت  
است برای فهم معنای زندگی برای پر کردن طرف  
وجودی انسان، برای بطرف کردن حس پوچی.  
همه چیز هست، امکانات رنگ و وارنگ، اما باز  
هم انسان تنها است، تنها از همیشه در طول  
تاریخ.

سوکورو تازاکی جایی رانداشت که برود، این انگار  
زمینه اصلی زندگی اش بود. جایی برای رفت و جایی  
برای برگشتن نداشت، نه حال و نه هیچ وقت دیگر.  
تنها جایی او همین جایی بود که الان در آن به  
سرمی برد... سوکورو می رفت و به زندگی بی رنگ شن  
ادامه می داد. بدون این که مزاحم کسی شود.

موراکامی به راستی بندبازی حرفا های است، او یاس،  
نامیدی و زندگی را جویی بند می زند و میان آنها  
تعادل برقرار می کند که خواننده در سطر سطر  
کتاب هایش مبهوت هنرمندی اوست.

ادوارد سعید در «شکست هژمونی»

از افراد غرب در پوشش رسانه ای ماجرا تسخیر لانه جاسوسی سخن گفته است

## تیترهای درشت ایران هراسی

یونس فردوس  
روزنامه نگار

«به رغم پوشش خبری گسترده، آچه در مورد بحران ایران [از رسانه ها] آموخته ام که خودتابه حال نمی دانستم قدر ناچیز است. وقی به آمریکا برقشتم، از این که خود را در سیل از موج روزانه اخبار تلویزیون، رادیو و روزنامه ها در مورد ایران یافتم شوکه شدم، روزنامه ها هاوی اخبار مفصلی با تیترهای درشت بودند و تلویزیون نیز بیشتر اخبار شباهن را به این موضوع اختصاص می داد و بعد تقریبا هر شب بخش های ویژه خبری در آخر شب در این رابطه پخش می کرد.

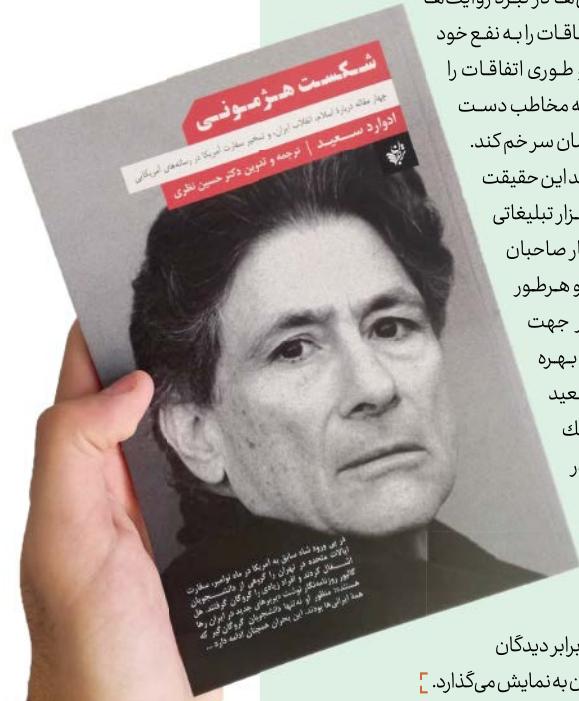
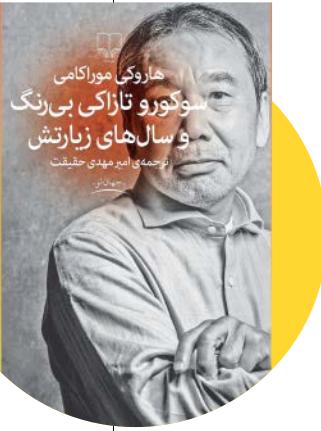
وبعد فکر کفرآمیز دیگری در رابطه با این شرایط به ذهن متبارمی شد: این که رسانه های خبری در گراف افراط شده اند. ممکن است این و اکنیشی عجیب به خبری چین با همیت باشد، اما حجم کلماتی که برای بیان یک خبر استفاده می شود لزوماً با میزان اطلاعات منتقل شده برابر نیست. حقیقت آن است که در بسیاری از این لفاظ ها هیچ خبر حقیقی ای موجود نبود. روز ۲۸، روز ۳۵ و روز ۴۰ بیشتر روزها تقریبا هیچ چیز متفاوتی از روز قبل برای گزارش وجود نداشت.»

ماجرای تسخیر لانه جاسوسی اتفاقی است که امام خمینی (ره) از این باعنوان انقلاب دوم یاد کردند و نمی توان از نقش این اتفاق در تاریخ انقلاب اسلامی چشم پوشید. آچه بالاتر آمد بخشی از یک از مقاالتی ای ادوارد سعید، اندیشمند فلسطینی بود که در سال های ۵۸ و ۵۹ پیش از میان روزنامه های این اتفاق را تحلیل کرد. در مطبوعات آمریکا نوشت: مقاالتی که حاوی تحلیل های جامعه شناسانه از پوشش رسانه ها به این اتفاق بود که از آن باعنوان بحران ایران یاد کردند.

این چهار مقاله در کتابی تحت عنوان «شکست هژمونی؛ چهار مقاله درباره اسلام، انقلاب ایران و تسخیر سفارت آمریکا در رسانه های آمریکایی» با ترجمه و تدوین حسین نظری از سوی نشر ترجمان منتشر شده است.

سعید در مقام یک روشن فکر و نظریه پرداز قرن بیستمی با کتابی نظیر (شرق شناسی) از جایگاه خاصی برخوردار است و در این مقاالت به پوشش افراطی از این ماجرا توسط رسانه های آمریکایی اشاره و بر نقش اسلامی بودن این انقلاب و ضد غربی بودن خاستگاه های آن در پوشش چنین رویدادی تأکید می کند. به عبارتی سعید در این مقاالت تلاش می کند به مخاطب خود دایبات کند چون این حركت منافع دولت های آمریکایی را به خطر انداخته آنها چنین پروپاگاندایی علیه این اقدام انقلابی انجام داده اند.

ادوارد سعید به عنوان یک فلسطینی مسیحی در یادداشت هایش تأکید می کند که ایران هراسی و اسلام هراسی، نتیجه ای است که از این مدل پوشش رسانه ای حاصل می شود. این امرور رسانه های مختلف نشان می دهد که رسانه های اطلاعات تازه ای به مخاطب خود نمی دهند بلکه یک عبارت را بازگو و لاعب تازه ای دوباره تکرار می کنند تا درین ماراتن رسانه ای از هم جانمانند. سعید در



خواننده ایش عربان به نمایش می گذارد.